

جغرافیا و قدرت ملی ایران

حسن کامران: دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

بهادر غلامی: دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

اسلام یاری: دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

سید حسن حسینی امینی: کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری

حسین خالدی: کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی

چکیده

مجموعه انسان‌هایی که ملتی را تشکیل داده و شکل یک کشور یا سازمان سیاسی پیدا کرده اند، دارای قدرتی می‌باشند که از برآیند قوای ترکیب شده آنها بدست می‌آید و می‌توان آن را قدرت ملی آن کشور یا ملت دانست. قدرت ملی دارای منشاء و مبادی گوناگونی است که دریک کارکرد جمعی به تولید قدرت ملی می‌پردازند. موضوع قدرت ملی از طرف جغرافیدانان، متخصصین ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی و روابط بین الملل، استراتژیست‌ها و سیاستمداران مورد توجه قرار گرفته و هر یک از آنها سعی نموده اند فهرست عوامل تاثیرگذار بر قدرت ملی را ارائه دهند که در بخش عمده‌ای از آنها اشتراک نظر وجود دارد. جغرافیا یکی از عوامل اصلی قدرت ملی در نظریات متخصصین فوق الذکر بوده است. عوامل جغرافیایی در دو دسته عوامل جغرافیای طبیعی و جغرافیای انسانی و به صورت کمی و کیفی در قدرت ملی کشورها تأثیر اصلی دارد. کشور ایران با موقیت ویژه‌ای که به لحاظ پتانسیل‌های جغرافیایی دارد، می‌تواند قدرت ملی برتر خاورمیانه باشد. در این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سوالات هستیم که بستر اصلی و مبانی تعیین کننده قدرت ملی کشورها چیست؟ مولفه‌های جغرافیایی تاثیرگذار در قدرت ملی کدام‌اند؟ و وضعیت ایران از لحاظ برخورداری از مولفه‌های قدرت آفرین چگونه است؟

واژگان کلیدی: جغرافیا، قدرت، قدرت ملی ایران، سازمان سیاسی، موقعیت جغرافیایی

مقدمه

قدرت عامل حیات و بقا، و موجود فاقد آن محکوم به فنا است لذا غریزه میل به بقای حیات، انسان را وادار به کسب قدرت می کند. (حافظ نیا، ۱۳۷۹: ص ۲۴۵) بطورکلی قدرت عبارت است از عواملی که یک بازیگر را قادر می سازد تا رفتار بازیگران دیگر را که در راستای منافع و اولویت های مورد نظرشان قرار دارد تحت نفوذ قرار دهد. بر این اساس بازیگران می توانند حکومت ها، ملت ها، کشورها و سایر گروه ها را در جهت انجام اقدامی مشخص و یا جلوگیری از انجام آن تحت نفوذ قرار دهند. (Glassner&fahter, 2004:261) قدرت ملی به عنوان مفهومی ژئوپلیتیکی یک ویژگی و صفت جمعی افراد یک ملت را منعکس می نماید و همزمان به عنوان یک صفت فردی در رابطه با یک کشور و یک دولت تجلی پیدا می کند. قدرت وقتی در قالب یک جامعه یا ملت نگریسته شود از برآیند توانایی های آن جامعه، قدرت عمومی و کلی آن پدیدار می شود (حافظ نیا، ۱۳۷۹: ص ۲۴۵) برای تشخیص و سنجش قدرت ملی یک کشور نمی توان ببروی یک عنصر به تنها ی تکیه کرد بلکه قدرت ملی دارای منشاء و مبادی گوناگونی است که در یک کارکرد جمعی به تولید قدرت ملی می پردازند. به عبارت دیگر عوامل اصلی شکل دهنده به قدرت ملی کشورها در حوضه های مختلفی قرار دارند. (حافظ نیا، ۱۳۸۶: ص ۶۸) یکی از حوزه های اصلی تاثیرگذار در قدرت ملی عوامل جغرافیایی است. بطورکلی رابطه جغرافیا با سیاست و قدرت به گذشته بر می گردد. در دوره یونان قدیم ارسطو و استрабو و در دوره قرون وسطی دانشمندانی نظیر بادن و مونتسکیو، در قرن نوزدهم جغرافیدانانی چون کارل ریتر و فردریک راتزل به مباحثت مربوط به جغرافیا و سیاست پرداخته اند. (میرحیدر، ۱۳۵۷: ص ۱۵) در دوره اسلامی نیز دانشمندانی نظیر ابن خلدون به مطالعه رابطه بین عوامل جغرافیایی و محیط طبیعی با سیاست پرداخته و نظریه معروف خود را درباره قبیله و شهر یعنی دو واحد قدرتمند سیاسی در آن زمان و نیز چرخه پیدایش و سقوط دولت ها بر پایه آن ارائه نموده است (میرحیدر، ۱۳۸۱: ص ۵). بر این اساس بخشی از عوامل و سرچشمه های قدرت در جغرافیای هر کشور قرار دارد و از همه مهم تر اینکه خصایص جغرافیایی غالباً نقش بنیادین را در شکل گیری سایر عناصر قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی بازی می کنند. لذا جغرافیا از اهمیت خاصی در بررسی و تحلیل قدرت ملی یک کشور برخوردار است. چارچوب محیطی عرصه های ملی یا جهانی می تواند بر قدرت ملی تاثیرگذار باشد. مزیت نسبی که یک کشور بر دیگری از طریق توزیع متفاوت منابع، توسعه اقتصادی و دیگر اشکال ثروت بدست می آورد، می تواند این تاثیر را کامل کند.

در این مقاله سعی بر آن است که نقش عوامل جغرافیایی (جغرافیای طبیعی) در قدرت ملی کشور ایران بررسی گردد. در این راستا به موقعیت جغرافیایی، وسعت، شکل جغرافیایی، آب و هوا، ناهمواریها، دسترسی به آبهای آزاد، منابع انرژی و منابع کالایی و به تفصیل پرداخته می‌شود.

مبانی نظری - جغرافیا

انسان و محیط دو قطب اصلی مطالعات جغرافیایی را تشکیل می‌دهند و فعالیتهای انسان بر زیربنایی از ترکیبات فیزیکی و طبیعی استوار است و این دو عنصر با توجه به ویژگیهای خود بر هم تاثیرگذارده و از هم متأثر می‌شوند. جغرافیای سیاسی به عنوان یکی از شاخه‌های مهم جغرافیای انسانی به مطالعه واحدهای متشكل سیاسی و فرایندهای سیاسی می‌پردازد. جریان فرایند سیاسی در بستر مکان، روابط تشکل‌های سیاسی مبتنی بر بنیادهای جغرافیایی حتی اتخاذ سیاستهای مبتنی بر واقعیتهای جغرافیایی که تحت عنوان ژئوپلیتیک در جهان امروز متداول است، در چارچوب مطالعات جغرافیای سیاسی قرار می‌گیرد. (بدری فر، ۱۳۸۸: صص ۳-۱۰) ژئوپلیتیک به آن بخش از دانش جغرافیا تاکید می‌کند که با قدرت و سیاست پیوند می‌خورد. از این رو می‌توانیم ژئوپلیتیک را به عنوان بخشی از دانش جغرافیا، علمی بدانیم که به مطالعه ابعاد فضایی- جغرافیایی مناسبات قدرت و رفتار سیاسی بازیگران عرصه‌های سیاست ملی و بین‌المللی می‌پردازد. (حافظ نیا، ۱۳۸۶: ص ۲۲)

- قدرت

در زبان فارسی واژه‌های مترادف یا دربردارنده مفهوم قدرت زیادند. این واژگان عبارتند از: نفوذ، توانایی، نیرو، فشارو ... که متنضم داشتن نوعی توانایی و برتری کسی بر کسان دیگر است. (ابوالحمد، ۱۳۷۶: ص ۷۳) قدرت این عامل حیات و بقا است، بنابراین محظوظ انسان‌ها، گروه‌ها و دولت‌های است. موجود فاقد قدرت محکوم به فنا است و غریزه میل به بقای حیات، انسان را وادر به کسب قدرت می‌کند. (حافظ نیا و دیگران، ۱۳۷۸: ص ۴) میزان دستیابی به اهداف و تمایلات تابعی از درجه قدرت و نفوذ و اقتدار فرد یا گروه انسان‌ها است که از آن برخوردارند. با عامل قدرت می‌توان شرایط دستیابی به اهداف را فراهم کرده و نیز می‌توان عوامل و متغیرهای بازدارنده و مانع را از سر راه برداشت. (حافظ نیا، ۱۳۸۶: ص ۳۰)

همانطور که پول نیروی محرک و حافظ بقای دنیای اقتصادی است، قدرت نیز ابزاری در اختیار سیاست است. بطور کلی دو رویکرد عمدۀ به مفهوم قدرت وجود دارد. رویکرد نخست، قدرت را هم چون کالایی تعریف می کند که می توان آن را تصاحب کرد و در مالکیت خود در آورد. این رویکرد مبتنی بر سنتی فکری است که ریشه در عقاید توماس هابز و ماکس ویر دارد. رویکرد دوم بر این مبنای است که قدرت چیزی نیست که بتوان مالک آن شد. برنو لاتور می گوید: تا زمانی که شما صرفاً بطور بالقوه از قدرت بخوردار باشید، در واقع قادر توان و قدرت هستید و چیزی رخ نخواهد داد. قدرت صرفاً در صورت به اجرا گذاشته شدن وجود می یابد و مستلزم ادغام و ترکیب منابع و عناصر مختلفی است. (جونز و دیگران، ۱۳۸۶: صص ۷-۵)

- قدرت ملی

تعاریف زیادی از قدرت ملی ارائه شده است. از نظر حافظ نیا قدرت ملی عبارت است از: "توانایی قابلیت و ظرفیت یک دولت و یک کشور برای استفاده از منابع مادی و معنوی خود با هدف اعمال اراده ملی و تحصیل اهداف و منافع ملی." (حافظ نیا، ۱۳۷۹: ص ۲۴۵) افسرده و مدنی معتقدند که قدرت ملی بر اساس مولفه های ساختاری وزن ژئوپلیتیک تولید شده و در نهایت منزلت ژئوپلیتیکی کشور را شکل می دهد. کالینز استراتژیست آمریکایی، قدرت ملی را مجموعه ای از تواناییهای بالقوه و بالفعل یک کشور تعریف می کند که از توانایی های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی، تکنولوژیک و نظامی آن کشور ناشی می شود. (کالینز، ۱۳۷۰: ص ۲۴)

در قلمرو داخلی از قدرت برای قانونگذاری، ضابطه گذاری، تنظیم امور و روابط اجتماعی، اجرای قانون و عدالت اجتماعی و تامین امنیت عمومی از طریق نهادهای سازمان یافته نظیر نهادهای قانونگذاری، قضایی، امنیتی، انتظامی، تبلیغاتی و ... استفاده می شود. در قلمرو خارجی از قدرت ملی برای حفاظت از منابع ملی، تامین نیازهای ملی از مبادی فرائی، تامین امنیت ملی، رفع تهدیدات فرامرزی، تقویت اعتبار و پرستیز ملی و ... استفاده می شود. (حافظ نیا، ۱۳۷۹: ص ۲۴۶) حافظ نیا سطوح قدرت ملی کشورها را از حیث فضایی و قدرت اثرگذاری بر پدیده ها و فرآیندهای برون کشوری به شرح زیر تعیین کرده است: ۱- قدرت ملی فراکروی: قدرتی است که در مواجهه کره زمین و فضای بین کرات آسمانی قدرت مانور و اثرگذاری دارد. ۲- قدرت ملی با برد جهانی: قدرتی است که بر فرایندهای جهانی و کروی اثر می گذارد، اعم از اینکه یک بعدی باشد یا چند بعدی. ۳- قدرت ملی با برد منطقه ای: قدرتی است که نفوذ آن در یک منطقه ژئوپلیتیکی تجلی پیدا می کند. نظیر هند در

جنوب آسیا. ۴- قدرت ملی با برد محلی: قدرتی است که حوزه نفوذ اثرگذاری و نفوذ آنرا همسایگانش تشکیل می دهنند. نظیر عربستان سعودی در شبه جزیره عربستان. ۵- قدرت ملی با برد کشوری: قدرتی است که اثرگذاری آن در درون مرزهای آن معنی پیدا می کند مانند نپال. ۶- قدرت ملی ضعیف: قدرتی است که در درون مرزهای خود نیز فاقد اقتدار کامل است، مانند سومالی. (حافظ نیا، ۱۳۸۶: ص ۴۹)

یافته های تحقیق

- مبانی و سرچشمehای قدرت ملی

برای تشخیص قدرت ملی یک کشور نمی توان بر روی یک عنصر به تنها یک تکیه کرد، مثلاً نمی توان وسعت زیاد بزرگی، جمعیت زیاد پاکستان، تولید صنعتی بالزیک و ... را مبنا قرار داد. بهترین دلیل این است که هیچکدام از این کشورها قدرت درجه اول نیستند (jablonsky,1997: 34-54). رشد جمعیت بالا و تعداد جمعیت زیاد برای یک کشور فتییر مشکل آفرین است و می تواند به دلیل کمبود مواد غذایی و فزونی تقاضای خدمات اجتماعی حکومت آن را دچار بی ثباتی بنماید (Eberstadt, 1991: 116) قدرت ملی دارای منشاء و مبادی گوناگونی است که در یک کارکرد جمعی به تولید قدرت ملی می پردازند. عوامل اصلی تشکیل دهنده به قدرت ملی کشورها در حوزه های مختلف قرار دارند. (حافظ نیا، ۱۳۸۶: ص ۶۸) قدرت ملی مورد توجه و نظر جغرافیدانان، متخصصین ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی و روابط بین الملل، استراتژیست ها و سیاستمداران بوده است و هر یک از آنها سعی نموده اند فهرست عوامل تاثیرگذار بر قدرت ملی را ارائه دهند که در بخش عمده ای از آنها اشتراک نظر وجود دارد. (روشنل، ۱۳۷۴: ص ۳۰ و ۳۳ taylor,1994:) در ادامه به نظریات برخی از صاحب نظران حوزه قدرت ملی به اجمال اشاره خواهد شد.

هанс جی مورگنتا عوامل اصلی شالوده قدرت ملی را به هشت جزء تقسیم می کند که عبارتند از: موقعیت جغرافیایی، جمعیت، ظرفیت صنعتی، منابع طبیعی، روحیه ملی، خصوصیت ملی، آمادگی نظامی و کیفیت دیپلماسی. (کاظمی، ۱۳۶۹: ص ۶۷) سیف زاده در کتاب نظریه های مختلف در روابط بین الملل، عوامل قدرت را بدین شرح ذکر می کند: وضع جغرافیایی، منابع ملی، جمعیت، کیفیت حکومت، روحیه ملی، کیفیت رهبری. (سیف زاده، ۱۳۶۸: ص ۱۴۰-۱۵۶)

گلداستین عوامل و عناصر قدرت را وسیله‌ای می‌داند که یک بازیگر می‌تواند از طریق آن در بلند مدت، ظرفیت‌ها، برنامه‌ها و اقدامات خود را گسترش دهد. او تولید ناخالص داخلی را عامل مهمی در اندازه گیری قدرت و بهترین شاخص تک متغیره قدرت ملی می‌داند که در شکل گیری آن جمعیت، سرزمین؛ جغرافیا و منابع طبیعی را مهم می‌داند. او در بین سرچشمه‌ها و منابع قدرت بر جغرافیا و موقعیت ژئopolیتیکی کشور فوق العاده تاکید می‌کند و می‌گوید مهمترین ملاحظات سه گانه منزلت واقعی یک دولت عبارتست از: موقعیت، موقعیت و موقعیت. (Goldstein, 1999:59)

سید عباس نبوی در کتاب فلسفه قدرت چنین نوشت: "در یک بررسی کلی می‌توان منابع قدرت را در سه نوع اصلی شناسایی کرد: نخست، منابع طبیعی و آنچه طبیعت برای تولید قدرت در اختیار انسان‌ها قرار می‌دهد؛ دوم، منابع انسانی و آنچه جسم و درون انسانها و جامعه انسانی در تولید قدرت بکار می‌آید؛ سوم، منابع ماورای طبیعی و آنچه بیرون از مدار طبیعت و انسان در تولید قدرت سیاسی-اجتماعی نافذ و موثر است." (نبوی، ۱۳۷۹: ص ۱۲۶)

- جغرافیا مولفه اصلی قدرت ملی

سرچشمه‌ها و پایه‌های قدرت از عوامل مختلفی تشکیل می‌شود. بخشی از عوامل و سرچشمه‌های قدرت در جغرافیای هر کشور قرار دارد و از همه مهم‌تر اینکه خصائص جغرافیایی غالباً نقش بنیادین را در شکل گیری سایر عناصر قدرت نظیر قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی بازی می‌کند. از این رو اهمیت خاصی در بررسی و تحلیل قدرت ملی یک کشور برخوردارند. (حافظ نیا، ۱۳۸۶: ص ۸۴) تمام صاحب نظرانی که به بررسی سرچشمه‌های قدرت ملی پرداخته‌اند از جغرافیا به عنوان یکی از بسترهای اصلی قدرت ملی یاد کرده‌اند. حتی برخی جغرافیا را اصلی ترین عامل قدرت ملی تلقی کرده‌اند. گلداستین در بین سرچشمه‌ها و منابع قدرت بر جغرافیا و موقعیت ژئopolیتیکی کشور فوق العاده تاکید می‌کند و می‌گوید که مهمترین ملاحظات سه گانه منزلت واقعی یک کشور عبارتند از: موقعیت، موقعیت و موقعیت. (Goldstein, 1999:59)

برخی موقعیت جغرافیایی یک کشور را مهمترین رکن قدرت ملی آن کشور به شمار آورده‌اند. برخی از این هم فراتر رفته و گفته‌اند که سیاست هر کشور را جغرافیای آن کشور تعیین می‌کند. (روشندل، ۱۳۷۴: ص ۷۱) کوهن معتقد است که به وسیله جغرافیاست که ما می‌توانیم واقعیت‌های سیاسی را به درستی ارزیابی کنیم. این سیمای جغرافیایی است که اساس درک نقشه سیاسی کنونی و پیش‌بینی تغییرات احتمالی آینده را برای ما فراهم می‌سازد.

بنابراین نقشه سیاست جغرافیایی بیشتر از نقشه سیاسی با واقعیت هماهنگ است. (والترز، ۱۳۶۲: ص ۷۱) بی شک بانبات ترین عامل قدرت یک ملت جغرافیای آن کشور است. عوامل جغرافیایی چون وسعت، شکل، موقعیت، وضع جغرافیایی، ناهمواریها، منابع آب، پوشش گیاهی، اقلیم و غیره همگی با قدرت ملی رابطه مستقیم دارند. قرآن کریم در آیاتی چند به برخی مختصات جغرافیایی سرزمین ها و اهمیت آن در قدرت انسانی و بهره وری انسان ها اشاره کرده و کوه ها و راه ها و دریاها را به عنوان نعمتی الهی در این جهت معرفی کرده است (قرآن کریم، نحل ۸۱، طه ۵۳، زخرف ۱۰). (اعظمی، ۱۳۸۵: ص ۱۲۹)

بطورکلی قدرت از عوامل سیاست جغرافیایی سرچشم می گیرد. این موضوع در زمینه استراتژی کاملاً آشکار است و در مورد اقتصاد و سیاست بین الملل نیز تا اندازه ای چنین است. بنابراین برای درک نقش قدرت در جهان ابتدا باید با عوامل سیاست جغرافیایی آشنا شد. (والترز، ۱۳۶۳: ص ۱۹ و حافظ نیا، ۱۳۸۶: ص ۸۵) در دنیای امروز از جنبه سیاسی و امنیتی به جغرافیا نگریسته شده و کشورها سعی دارند از مقوله‌ی جغرافیا در راستای ارتقای امنیت، کسب قدرت و تأمین منافع ملی نهایت استفاده را ببرند. (عباس شوازی، ۱۳۸۷: ص ۶۲)

پتانسیلهای جغرافیایی قدرت ملی ایران

- موقعیت جغرافیایی

موقعیت جغرافیایی هر کشور با سیاست خارجی آن پیوند خورده است. ارتباط بین موقعیت جغرافیایی و سیاست خارجی بقدرتی اهمیت داشته که به صورت یک موضوع مهم در مطالعات ژئوپلیتیکی درآمده است. موقعیت جغرافیایی با آب و هوا نیز پیوند نزدیکی دارد، بطوریکه بر قدرت ملی یک کشور نیز تاثیر می گذارد. (حافظ نیا، ۱۳۸۶: ص ۸۹) موقعیت چه از نظر ریاضی که بر اساس طول و عرض جغرافیایی و چه از نظر نسبی که از روی نزدیکی یا دوری از دریا، مجاورت با یک دولت پرقدرت و سایر همسایگان، مجاورت با کانال یا تنگه بین المللی استراتژیک و غیره مشخص می شود، تاثیر بسزایی در قدرت ملی کشورها دارد.

کشور ما به علت قرار گرفتن در کنار تنگه ها و آبراهه های مهم بین المللی و در موقعیت دسترسی به منابع خاص و کمیاب (نفت و گاز و....) از اهمیت زیادی بر خوردار است. ایران از طرف شمال در دریای خزر و از طرف جنوب در خلیج فارس و دریای عمان دارای سواحل طولانی است. بطورکلی ایران محل تلاقی موقعیت بری و بحری بوده و همواره این کشور در نظریات ژئوپلیتیک و استراتژیهای نظامی از جایگاه ویژه ای برخوردار است. برای مثال

جایگاه ایران در نقشه ژئوپلیتیکی مکینتر در سال ۱۹۰۴ این بود که حاشیه جنوب دریای خزر ناحیه ترکمن صحرا تا بخش شمالی خراسان و در غرب دریای خزر نیز حاشیه کوچکی از استان گیلان، حوالی رشت تا بندر انزلی و آستارا درون هارتلنده قرار می‌گرفت و بقیه کشور در هلال داخلی یا حاشیه ای قرار گرفته بود. در نظریه اسپایکمن هم ایران در سرزمین حاشیه ای نظریه او بود. در دکترین تروم ایران به منزله کمربند محاصره نیم دایره کمونیسم توسط کشورهای غیر کمونیسم بود. (عباس شوازی، ۱۳۸۷: ص ۷۱)

- وسعت

بطورکلی وسعت زیاد در قدرت کشورها تاثیر مشبت دارد ولی اگر دچار گستردگی عوارض جغرافیایی بوده یا فضاهای غیر قابل استفاده در آن باشد یا اینکه دچار کمبود جمعیت گردد، بطوریکه امر دفاع را مشکل کند، باعث بروز مشکلات می‌گردد. همچنین فضای وسیع امکان برخورداری از معادن و منابع اقتصادی را فراهم می‌کند. به لحاظ نظامی فضای وسیع عمق استراتژیک ایجاد کرده و حاشیه امنیتی برای کشور به وجود می‌آورد. (حافظ نیا، ۱۳۸۶: ص ۹۱) وسعت زیاد یک دولت، با این تصور که از نظر آب و هوا و منابع طبیعی دارای تنوع بیشتری است و از نظر دفاعی و نظامی نسبت به کشورهای کم وسعت، برتری دارد به عنوان عامل قدرت مطرح می‌شود. (میر حیدر، ۱۳۷۵: ص ۱۰۶) ضریب امنیتی کشورها در موارد زیر مؤثر از مولفه وسعت است:

- تنوع آب و هوایی ایجاد می‌کند؛ بنابراین توانایی کشور را در رفع نیازمندیهای اولیه اش افزایش می‌دهد، به عبارتی ضریب امنیت اقتصادی جامعه افزایش می‌یابد (مانند آمریکا).
- از نظر نظامی نوعی ایمنی ایجاد می‌کند؛ زیرا تصرف و تسلط بر آن را مشکل می‌کند (مانند اتحاد جماهیر شوروی سابق).

- وسعت امکان جذب جمعیت بیشتر را فراهم می‌آورد؛ بنابراین در تقویت نیروی انسانی و امنیت آن تاثیر گذار است (مانند چین).

- وسعت امکان بروز بحران نفوذ را افزایش داده و می‌تواند تأثیر امنیتی منفی بگذارد (مانند سودان). (افتخاری، ۱۳۸۱: ص ۵۴)

از لحاظ وسعت کشور ایران شانزدهمین کشور جهان است. این وسعت قلمرو در موارد مختلف در سرنوشت سیاسی این کشور تاثیر گذار بوده است. گفته می‌شود یکی از عواملی که باعث شد تا در دهه ۱۹۷۰ میلادی در سیاست منطقه ای آمریکا، ایران به عنوان یکی از ارکان راهبرد دوستونی نقش فعالی را در منطقه به عهده بگیرد، وسعت قلمرو آن بوده است. در جنگ

تحمیلی عراق علیه ایران نیز با اینکه بخش هایی از آن در اوایل جنگ به اشغال دشمن در آمد، لیکن گسترش وسیع ارضی و عمق راهبردی، امکان اشغال را به دشمن نداد. (مینایی، ۱۳۸۱: ص ۱۴۲) ایران بعد از عربستان سعودی از نظر وسعت دومین کشور خاورمیانه است. وسعت و موقعیت ایران به گونه ای است که این کشور را برخوردار از تنوع اقلیم و منابع سرشار انرژی و کانی کرده است.

- شکل جغرافیایی

منظور از شکل فاصله قطرهای یک کشور تا مرکز جغرافیایی آن است. مهمترین تاثیر شکل هندسی، نحوه اعمال قدرت حکومت مرکزی بر پهنه کشور است. (عزتی، ۱۳۷۷: ص ۹۰) کشورهای فشرده و جمع و جور از نظر اداره امور و کنترل دولت و یکپارچگی ملی کارکرد مثبت دارند. اشکال طویل نظیر شیلی، دنباله دار (تاپلند) و کشورهای پاره پاره (آذربایجان) معمولاً دچار مشکل می باشند و اداره آنها دردرس آفرین است. کشور ایران به لحاظ شکل جغرافیایی، چهار ضلعی نامنظمی است که بزرگترین قطر آن در جهت شمال غربی به جنوب شرقی در حدود ۲۲۵۰ کیلومتر و قطر کوچک آن در جهت شمال شرقی به جنوب غربی در حدود ۱۴۰۰ کیلومتر است. (مینایی، ۱۳۸۱: ص ۱۴۶) اگر مبنای خود را فرمول هاگت و چورلی قرار دهیم، شاخص شکل برای کشور ما رقم $\frac{۱}{۴۲۸}$ خواهد بود و با توجه به اینکه بر مبنای این فرمول ارقام به دست آمده از ۱ (برای یک دایره کامل) تا صفر (برای یک خط) متغیر است، شکل کشور ایران در حدمتوسط میان شکل دایره‌ای و شکل طولانی قرار می گیرد. (ملکوتیان، ۱۳۸۳: ص ۲۰۹) بنابراین ایران از لحاظ شکل در موقعیت مناسبی قرار دارد و در حد وسط شکل طویل و دایره ای قرار دارد و این یکی از مزایای جغرافیایی ایران در جهت اداره بهتر کشور می باشد.

- آب و هوا

آب و هوای مطلوب و معتدل بر قدرت یک کشور تأثیر مثبت دارد. زیرا نخست در توسعه مواد غذایی اثر دارد، دوم میزان تخریب و آسیب رسانی ناشی از ناهنجاریهای اقلیمی به حداقل می رسد و منابع ملی تلف نمی شود و سوم بخشی از منابع ملی صرف فراهم سازی شرایط مناسب زیست برای انسان نمی گردد و منابع انرژی تلف نمی شود. (حافظ نیا، ۱۳۸۶: صص ۹۲-۹۳) باوجود اینکه بشر به برخی از ناهنجاریهای محیطی فائق آمده است معهذا هنوز هم در زمان ما شرایط آب و هوای اثر آن بر تولیدات فرآورده های غذایی، نقش مهمی در قدرت ملی کشورها دارد. بارزترین نمود آن وضع ایالات متحده آمریکا در مقایسه با وضعیت

شوروی سابق است که شرایط نامناسب شوروی در ارتباط با تولید فرآورده‌های کشاورزی، نقش موثرتری در فروپاشی آن داشته است. (روشنل، ۱۳۷۴: ص ۷۳) موقعیت جغرافیایی ایران در نیمکره شمالی و واقع شدن آن در منطقه معتدل و کمربند صحراوی زمین، زیر ساختی چهار فصل و نیز صحراوی به آن بخشیده و تحت تأثیر عوامل درونی و بیرونی ساختار اقلیمی خاصی را به وجود آورده است. در اثر ترکیب عوامل عرض جغرافیایی، موقعیت جغرافیایی، توده‌های هوا با منشاء بیرونی و ارتفاعات؛ الگوهای اقلیمی متنوعی در ایران پدید آمده است که هر یک بخشی از فضای جغرافیایی ایران را پوشش می‌دهد. (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۸۰) تنوع ناهمواریها در کشور باعث تنوع آب و هوایی آن شده است؛ بنابراین انواع آب و هوای خشک، کوهستانی و معتدل را دارد. این شرایط امکان برداشت محصولات کشاورزی در فصلهای مختلف سال را فراهم آورده است (ملکوتیان، ۱۳۸۳: ۲۱۳). طبیعت و اقلیم متنوع ایران در خود گیاهان و جانوران فراوانی را جای داده است که هم از نظر تعداد و هم از نظر تنوع در مقایسه با سایر نقاط جهان شگفت‌انگیز است. به عنوان مثال تعداد گونه‌های پستانداران وحشی ایران با ۱۶۸ گونه تقریباً با تعداد کل گونه‌های پستاندار در قاره اروپا برابر است. همچنین در ایران ۸۰۰۰ گونه گیاهی، ۱۷۴ گونه ماهی، ۲۰ گونه دوزیست، خزنه و ۵۱۴ گونه پرنده زیست می‌کنند.

- ناهمواری‌ها

ناهمواریها از دیگر عوامل جغرافیایی اند که در قدرت ملی کشورها تاثیر گذارند، بطوری که اگر ارتفاعات با مرزهای سیاسی یک کشور منطبق شوند، شرایط مناسب دفاعی برای آن فراهم می‌آورند. همچنین ارتفاعات می‌توانند با در اختیار قرار دادن منابع آب جاری حاصل از ذوب برف‌ها ضمن رونق بخشیدن به اقتصاد داخلی، در روابط اقتصادی، سیاسی، نظامی و غیره با همسایگان از موقعیت برتری برخوردار باشند. (اعظمی، ۱۳۸۵: ص ۱۳۱-۱۳۰) چنانچه مرزهای یک کشور با ارتفاعات، به عنوان یک مانع طبیعی هماهنگ باشند شرایط دفاعی مطلوبی را برای کشور فراهم می‌کنند. (قوام، ۱۳۷۰: ص ۸۱) به عبارت دیگر وجود موانع طبیعی در مرزهای یک کشور موقعیت امنیتی آن کشور را بهبود می‌بخشد و نبودن منابع طبیعی کار توسعه طلبان را آسان می‌کند. (روشنل، ۱۳۷۴: ص ۷۴) خطوط مرزی مبتنی بر ارتفاعات، اگر از پیوستگی برخوردار باشد، موجب ثبات و امنیت نسبی کشورهای دارنده آن خواهد بود. در مناطق کوهستانی حرکت واحدهای تهاجمی به کندی صورت می‌گیرد و مرزهای کوهستانی همیشه در تاریخ نقش مهمی داشته است؛ هم چنانچه داخل فلات ایران تا

امروز به برکت دو رشته ارتفاع ممتد و منظم وحدت خود را حفظ نموده و ایدئولوژی متفاوت با دیگر مناطق مجاور خود را پایدار ساخته است. (عزتی، ۱۳۸۳: ص ۱۷۲) از نظر جغرافیایی، موقعیت ناهمواریهای ایران در نقشه جهان به صورت مثلث بزرگی است که قبل از عصر هواپیما رخنه به درون مثلث مزبور بسیار دشوار بود. رأس شمال غربی این مثلث، محل برخورد دو رشته کوه طولانی و بلند است. رشته کوه زاگرس قاعده جنوب غربی و رشته کوه البرز قاعده شمالي آن را تشکیل می دهد. قاعده سوم مثلث قاعده شرقی است که از دو قاعده دیگر حساس تر است. دشت کویر و دشت لوت، دو صحرای بزرگ ایران ضلع سوم مثلث را می سازند که آسیب پذیرترین نقطه مثلث محل برخورد صحراها با رشته کوههای البرز است. (کامران و دیگران، ۱۳۸۴: ص ۴) هر چند در مواردی امکان جلوگیری از هجوم امواج انسانی به فلات ایران وجود نداشت، اما وضعیت اقلیمی و ژئومورفولوژیکی آن پیوسته از عوامل موثر دفاعی به شمار رفته و در این زمینه تنها تهاجم های بزرگ و پر دامنه موفق بوده اند، اگر فلات ایران از چنان وضعیت جغرافیایی برخوردار نبود، شمار تهاجمات موفقیت آمیز می توانست خیلی بیش از اینها باشد و در نتیجه فرهنگ و تداوم تاریخی این سرزمین از بین می رفت. (کاتم، ۱۳۷۸: ص ۱۸)

(۱۷)

- جنگل و پوشش گیاهی

جنگل ها حدود ۱۱ درصد مساحت ایران را تشکیل می دهند که ۵۵/۵ درصد آن مربوط به جنگل های بلوط غرب، ۲۵/۵ درصد مربوط به جنگل های شمال ، ۱۳/۳ درصد مربوط به جنگل های پسته جنوب و شرق کشور و ۵/۶ درصد مربوط به جنگل های گرمسیری و کویری است. (ملکوتیان، ۱۳۸۳: ص ۲۱۲) مطابق برآوردهای انجام شده حدود ۱۶۰ میلیون هکتار از مجموع فضای ایران برای رویش گیاه جنگلی و مرتعی مناسب است. مجموع فضای جنگلی ایران ۱۲/۴ میلیون هکتار بوده است که حدود ۷/۷ درصد از زمینهای قابل رویش را در کشور تشکیل می دهد. مراتع ایران با وسعتی حدود ۹۰ میلیون هکتار معادل ۵۶ درصد کل فضای ایران را پوشش می دهند. (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ص ۸۷-۸۸)

- دسترسی به دریا

ایران در دریایی مازندران حدود ۶۵۷ کیلومتر، در دریایی عمان حدود ۷۸۴ کیلومتر و در خلیج فارس حدود ۱۲۵۹ کیلومتر مرز دریایی دارد. بنابراین از مزایای اقتصادی و دفاعی آن بهره مند است. (ملکوتیان، ۱۳۸۳: ص ۲۰۷) دسترسی ایران به دو عرصه آبی مهم در شمال و جنوب کشور، هم به لحاظ حمل و نقل دریایی و هم به لحاظ شیلات و وجود ذخایر عظیم

انرژی نفت و گاز به عنوان مبنای عمدۀ قدرت ملی کشور شناخته می‌شوند (حافظ نیا، ۱۳۸۶: ص ۹۲).

- موقعیت مرکزی (ژئوپلیتیک دسترسی)

موقعیت مرکزی موقعیتی است که محل رفت و آمد های زیاد بین المللی به دلیل سیاسی، مذهبی، اقتصادی و غیره یا مرکز مهم عبور راه های ارتباطی بین المللی باشد. ایران همانگونه که از نظر تاریخی در مسیر عبور راه ابریشم قرار داشت به دلیل قرار گرفتن بین کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و خلیج فارس از یک سو و همچنین قرار داشتن بین آسیا و اروپا از سوی دیگر، گوتاه ترین مسیر برای عبور راه های شوشه و آهن از شمال به جنوب و عبور لوله های نفت و گاز آسیای مرکزی به اروپاست. ایران با موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک ویژه ای که برای منطقه محصور درخشکی آسیای مرکزی دارد یک کشور ترانزیتی مطلوب است و می تواند تولیدات نفت و گاز قرقستان و ترکمنستان را به بهترین شکل به دریای آزاد و حتی از طریق ترکیه به اروپا برساند. با وجود تلاش دولت آمریکا برای نادیده گرفتن این ویژگی و سیاسی کردن راه انتقال نفت و گاز، هنوز ایران به عنوان امن ترین، اقتصادی ترین و گوتاه ترین مسیر برای انتقال منابع انرژی به آب های آزاد مطرح است. (مختراری و نصرتی، ۱۳۸۹: ص ۱۱۵) به لحاظ موقعیت ارتباطی، فضای جغرافیایی ایران در محور شمال و جنوب دو عرصه جغرافیایی آب و خشکی را به هم پیوند می دهد و در مسیر عمومی ارتباط قاره های اروپا و آسیا و اقیانوسیه، بویژه آسیای جنوبی و جنوب شرقی قرار دارد.

- دارا بودن سواحل طولانی و عمیق در خلیج فارس

بخش شمال و شمال شرقی خلیج فارس را تماماً سواحل ایران پوشانده است. طول مرزهای ایران در خلیج فارس از دهانه ارونده رود تا بندر عباس ۱۲۵۹ کیلومتر است. (الهی، ۱۳۸۴: ص ۱۲) وجود این سواحل طولانی باعث شده تا ایران صاحب ذخایر عظیم نفت و گاز و همچنین منابع آبزی در خلیج فارس باشد و این خود زمینه توسعه و افزایش قدرت ایران را مهیا کرده است. محور خلیج فارس که عمیق ترین کanal قابل کشتیرانی را تشکیل می دهد و طبعاً مسیر خطوط اصلی کشتیرانی از شرق به غرب را در بر دارد، نزدیک به سواحل ایران است. گذشته از آن خلیج فارس آبراهی است که صرف نظر از عمیق ترین نقطه (۹۱ متر) عمق عمومی منطقه محور بین ۴۰ تا ۷۳ متر است، در حالی که در منطقه ساحل جنوب شرقی، جنوب و رأس خلیج فارس، اعمق بین ۵ تا ۱۰ متر عادی است. این عمق کم و توزیع نامتعادل آن از نظر کشتیرانی مشکلات بسیاری به بار می آورد و اکثرآ مسئول ایجاد گلوگاه های تردد

است. ایجاد آبراه های دریایی در آبهای سرزمینی برای کشورهای ساحلی حق ناظارت رفت و آمد شناورهای بین المللی را ایجاد می کند. در مورد طرح به اجرا در آمده در دو طرف جزایر تنب بزرگ و کوچک و فارور چون مسیر شمالی این طرح در آبهای سرزمینی ایران قرار دارد، طبق اصل اول مقررات مربوط به کشتارانی بین المللی، ناظارت بر عبور و مرور کشتیها بر عهده دولت ایران است و طبق اصل دوم همان مقررات دولت ایران حق دارد هزینه ارائه خدمات مخابراتی و نصب علائم کمک ناوی برای دریافت کند. گذشته از آن، وجود این طرح بر اهمیت استراتژیک جزایر مذکور افزوده است. از طرف دیگر قرار گرفتن جزایر ابوموسی و سیبر و خارک در مسیر خطوط اصلی کشتارانی که به طرف جنوب و غرب خلیج فارس کشیده شده اند، سبب اهمیت استراتژیک این جزایر شده است. (میر حیدر، ۱۳۶۷: صص ۵۸۲-۵۷۸)

-جزایر-

ایران حدود ۳۱ جزیره در خلیج فارس دارد که ۱۲ عدد آن مسکونی است. این جزایر مانند خارک که در یکی از عمیق ترین قسمت های خلیج فارس واقع و به دلیل داشتن سواحل عمیق برای لنگر انداختن کشتی های بزرگ مناسب و بزرگترین اسکله نفتی جهان را دارد، می توانند مانند ناوگان های ثابتی در خدمت دفاع از مراز های جنوبی و دریایی کشور باشند. (ملکوتیان، ۱۳۸۳: صص ۲۱۱-۲۱۳) از دیدگاه استراتژیک آنچه وضع و موقعیت ایران را ممتاز می سازد، نه تنها برتری نظامی و جمعیتی این کشور در منطقه است، بلکه در نظر گرفتن این حقیقت است که حساس ترین جزایر استراتژیک در تنگه هرمز و بر سر راه های ورودی و خروجی آن، در حاکمیت ایران است. امنیت در تنگه هرمز با استفاده از موقعیت استراتژیک این جزایر بهتر و موثرتر قابل تأمین و حفظ است. ایران بر تعدادی از جزایر برخوردار از موقعیت ممتاز و استراتژیک در تنگه هرمز و خلیج فارس حاکمیت دارد که از آن میان شش جزیره که زنجیره قوسی دفاعی ایران را تشکیل می دهد، اهمیت بیشتری دارند. این جزایر عبارتند از: هرمز، لارک، قشم، هنگام، تنب بزرگ و ابوموسی که در فاصله نسبتاً کوتاهی از یکدیگر قرار دارند. (مجتبه زاده، ۱۳۸۵: صص ۸۷-۸۵)

- تنگه هرمز -

تنگه هرمز آبراهی باریک و خمیده شکل است که دریای نیمه بسته خلیج فارس را از راه دریای عمان به اقیانوس هند و خطوط کشتارانی بین المللی دریای آزاد پیوند می دهد. به علاوه این آبراه به علت جایگاه ویژه ای استراتژیک خود، شاهرگ حیات اقتصادی غرب و ژاپن و شرق دور به حساب می آید. در گذشته هر یک از کشورهایی که خواسته اند به خلیج فارس

دست یابند، یا تکیه گاه طبیعی نیرومندی برای دفاع از منطقه، یا نقطه‌ای تهاجمی برای استیلا بر اقیانوس هند داشته باشند، تسلط بر تنگه هرمز را شرط لازم برای رسیدن به این هدف شمرده و سعی کرده اند قبل از هر اقدامی تنگه هرمز را در اختیار بگیرند. (افشار سیستانی، ۱۳۸۶: صص ۲۷-۲۸) تسلط ایران به سواحل شمالی تنگه استراتژیک هرمز که رگ حیات اقتصاد جهان است، یکی از ارکان اصلی جغرافیایی قدرت ملی ایران بویژه در سطح جهانی است.

- تعداد همسایگان

بطور کلی کشور ایران با داشتن ۱۵ همسایه از طریق خشکی و دریا پس از روسیه دومین کشور جهان از نظر تعداد همسایگان است. (عباس شوازی، ۱۳۸۷: ص ۷۳) این کشور از جنوب با دولت-ملت‌های مستقل کویت، عربستان، بحرین، قطر، امارات متحده عربی و عمان، از شرق با پاکستان و افغانستان، از شمال با ترکمنستان، قراقستان، روسیه، آذربایجان و ارمنستان و از غرب با ترکیه و عراق هم‌جوار است. اما ایران همچنین در شمال با جمهوریهای خود مختار داغستان، نخجوان و کالمیک، در شمال غربی و غرب با حکومت منطقه‌ای کردستان عراق و در جنوب با شش امیرنشین از هفت امیرنشین تشکیل دهنده امارات متحده عربی؛ یعنی ابوظبی، دبی، شارجه، عجمان، ام القوین و رأس الخیمه همسایه است. استفاده از استعداد بسیار بزرگ و در واقع بی نظیر ایران در گسترش روابط فضایی بین ناحیه‌ای با وجود حجم متوسط و تعداد همسایگان زیاد، در کانون توجه دولت‌ها قرار نداشته است. چنین موقعیتی، فضای سرزمینی ایران را در مرکز تلاقی دولت‌هایی قرار داده که بطور ماهوی نیازمند تعامل فضایی همه جانبه هستند. در واقع ایران با استفاده از موقعیت مرکزی و کانونی خود می‌توانسته کانون صلح و همبستگی بین منطقه‌ای باشد. (کریمی پور، ۱۳۷۹: صص ۲۴-۲۲)

گرچه بعضی از کارشناسان بر این باورند که تعداد زیاد همسایگان منبع مشاجره و تضاد برای ایران می‌تواند باشد، اما با نگاهی به وضعیت کشورهای همسایه روشن می‌شود که این امر می‌تواند به عنوان یک فرصت برای ایران قلمداد شود. چرا که بعضی از این کشورها در اثر منابع انرژی کم نیازمند به ایران می‌باشند، که از جمله آنها می‌توان به پاکستان و ترکیه اشاره کرد. همچنین همسایگان شمالی ایران اکثراً محصور در خشکی هستند و ایران می‌تواند از موقعیت جغرافیایی خود برای اتصال آنها به دریاهای آزاد استفاده کند.

- منابع کانی

ایران از نظر فلزات معدنی بسیار غنی است. ذخایر آهن کشف شده در کاسارهای کرمان، بزد و شرق خراسان حاوی صدها میلیون تن آهن با عیار بالا (۶۵-۶۰ درصد) است. ذخایر مس ایران در سراسر فلات ایران یافت می شود و بر جسته ترین آنها معدن مس سرچشممه و چهار گنبد و قلعه زری برجند است. معدن سرب و روی در اطراف فلات مرکزی دیده می شود. همچنین بخش مرکزی ایران حاوی فلزات معدنی دیگر نظیر طلا، منگنز، نیکل و ... است. (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ص ۹۳) ذخایر شناخته شده کانی ایران عبارتند از: ۸۰۰ میلیون تن مس ۱/۱۲ درصد و بیش از ۵۰۰ میلیون تن مس با درجه پایین تر، ۷ میلیون تن سنگ معدن کرومیت ۳۵ درصد تا ۵۰ درصد (بزرگترین ذخایر کرومیت دنیا)، بیش از ۱/۲ میلیارد تن سنگ آهن و ۱/۶ میلیارد تن ذخایر زغال سنگ و ۵۰۰ میلیون تن فلز آلومینیوم فقط در ناحیه تاکستان قزوین است. همچنین معدن سرب، روی، نمک، سولفور، منگنز، نیکل، طلا، اورانیوم، منیزیوم، باریم، قلع، سنگ آهک، کبالت، فلوریت، بوکسیت و غیره نیز دارد. (مظفری و رئیس السادات، ۱۳۸۸: ص ۸۱) کشور ایران پتانسیل خوبی نیز از نظر ذخایر طلا دارد. از مهمترین منابع امید بخش طلا در ایران می توان به موارد زیر اشاره کرد: منطقه متالوژنی آذربایجان، منطقه متالوژنی همدان - اراک، منطقه متالوژنی اصفهان، بزد و کرمان، منطقه متالوژنی سمنان - تهران، منطقه متالوژنی خراسان - سیستان و بلوچستان. میزان ذخایر ایران در سال ۱۳۸۰، ۸۸۱۳/۳۹۸ هزار تن سنگ طلا برآورده شده است. موقعیت تکتونو ماگمای ایران آن را در قلمرو مناطق پتانسیل دار برای کانی سازی طلاهای هیدروترمال قرار می دهد. فعالیت‌های ماگمایی قوسی و پشت قوسی که در اغلب نقاط دنیا به عنوان پتانسیل‌های مهم طلا معرفی شده‌اند، در ایران نیز گسترش زیادی داشته‌اند. (<http://www.ngdir.com>)

- انرژی

کشور ایران از لحاظ منابع مختلف انرژی یکی از غنی ترین کشورهای جهان محسوب می گردد، چرا که از یک سو دارای منابع گسترده سوخت های فسیلی و تجدید ناپذیر نظیر نفت و گاز است و از سوی دیگر دارای پتانسیل های فراوان انرژی های تجدید پذیر هم چون باد و خورشید می باشد.

انرژی یکی از حلقه های پیوند ایران با جهان خارج است و از این حیث دیپلماسی انرژی ایران و توسعه ملی کشور بصورت متقابل با یکدیگر تعامل و پیوند عمیق دارند، چرا که انرژی و تمام ابعاد و جنبه های آن، ملتقاتی سه پارامتر جغرافیا، قدرت و سیاست می باشد.

(حافظ نیا، ۱۳۸۵: ص ۱۰۳) جفری کمپ متاثر از نظریه هارتلندر مکینندر از بیضی انرژی جهانی یا هارتلندر انرژی بحث می کند. ایران در مرکز بیضی استراتژیک انرژی (هم نفت و هم گاز) قرار دارد. (مختاری و نصرتی، ۱۳۸۹: ص ۱۱۲) در این قسمت منابع انرژی ایران را در دو بخش منابع انرژی تجدید پذیر و منابع انرژی تجدید ناپذیر مورد بررسی قرار می دهیم:

- منابع انرژی تجدید پذیر

به انرژی های ناشی از فرایندهای طبیعی که مکرراً تجدید می شوند، انرژی تجدید پذیر می گویند. اشکال مختلف این انرژی به طور مستقیم یا غیر مستقیم از خورشید و یا از حرارت ایجاد شده در اعماق زمین نشأت می گیرد. به عبارت دیگر انرژی حاصل از خورشید، باد، زیست توده، زمین گرمایی، انرژی آبی، امواج و جزر و مد، زیست توده جامد، بیوگاز و سوت های زیستی مایع از جمله انرژیهای تجدید پذیر می باشند. (ترزاننامه انرژی، ۱۳۸۹: ص ۲۱۸) کل تولید انرژیهای تجدید پذیر در سال ۱۳۸۷ معادل $۲۴۲۸/۴$ میلیون بشکه نفت خام بوده است. (همان: ص ۲۰) مهمترین انرژی های تجدید پذیر عبارتند از:

- برق آبی

در ایران با توجه به وجود رودخانه ها با دبی آب مختلف، امکان نصب نیروگاه های برق آبی زیاد است. عمر طولانی، راندمان بالا، عدم مصرف سوت، عدم آلایندگی محیط زیست، پایین بودن هزینه تعمیر و نگهداری، توان پاسخگویی به نوسان های شبکه برق در کوتاه ترین زمان ممکن و بهره برداری و کنترل سیالاب های مخرب از مزیت های احداث نیروگاه های برق آبی می باشد. ایران از جمله کشور های مطرح در زمینه ساخت سد و کنترل آب می باشد. به طوری که در پایان سال ۱۳۸۷، ظرفیت نیروگاه های آبی بزرگ، متوسط، کوچک، مینی و میکروی در حال بهره برداری کشور به حدود $۷۶۷۲/۵$ مگاوات رسیده است. استفاده از ظرفیت های برق آبی به عنوان یک اولویت مدنظر قرار گرفته و در این راستا $۶۶۵۰/۱$ مگاوات طرح برق آبی نیز در کشور در دست اجرا، $۹۲۵۹/۵$ مگاوات طرح برق آبی در دست مطالعه و آماده اجرا و $۵۵۰۵/۱$ مگاوات طرح برق آبی در مرحله شناخت می باشند. (همان: ۲۲۱-۲۲۲ صص)

- انرژی بادی

در ایران با توجه به وجود مناطق باد خیز، طراحی و ساخت آسیاب های بادی از ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح رایج بوده و هم اکنون نیز بستر مناسبی جهت گسترش بهره برداری از توربین های بادی فراهم می باشد. مولد های برق بادی می توانند جایگزین مناسبی

برای نیروگاه های گازی و بخاری باشند. مطالعات و محاسبات انجام شده در زمینه تخمین پتانسیل انرژی باد در ایران نشان داده اند که تنها در ۲۶ منطقه کشور میزان ظرفیت اسمی سایت ها با در نظر گرفتن یک راندمان کلی $0/33^0$ در حدود 6500 مگاوات است و این در شرایطی است که ظرفیت اسمی کل نیروگاه های تولید برق کشور در حال حاضر 34000 مگاوات است. بهره برداری از انرژی بادی در ایران از سال 1373 در مناطق منجیل و روبار عملا آغاز شده است و تا کنون انرژی باد در این منطقه به حدود 34 مگاوات رسیده است. (نشریه سازمان انرژیهای نو ایران، 1386 : صص $5-7$) در سال 1387 ، نیروگاه های برق بادی مناطق گیلان، خراسان و تبریز در مجموع با 157 واحد توربین و با ظرفیت اسمی 89830 کیلو وات، $196/3$ گیگاوات ساعت تولید ناویژه برق داشته اند. (ترازنامه انرژی، 1389 : ص 235)

- انرژی خورشیدی

انرژی خورشیدی نخستین انرژی بکار رفته توسط بشر بوده و در طول تاریخ بسیار مورد استفاده قرار گرفته و امروز نیز جایگاه خود را از دست نداده و از آن استفاده های متعددی می شود. محدودیت منابع فسیلی و نتایج حاصل از تغییرات زیست محیطی و آب و هوای جهانی شرایطی را جهت رقابت انرژی خورشیدی با انرژی های فسیلی به خصوص در برخی از کشور های که دارای پتانسیل بالای تابش می باشند، ایجاد نموده است. از سیستم های انرژی خورشیدی به عنوان فن آوری های جدید در تامین گرما، آب گرم، الکتریسیته و حتی سرمایش منازل مسکونی، مراکز تجاری و صنعتی استفاده می کنند.

در ایران نیز فعالیت های گسترده ای در زمینه ساخت آب گرمکن ها و حمام های خورشیدی، تیوب های حرارتی، آب شیرین کن های خورشیدی و مرکز کننده های خورشیدی و ... انجام می شود. همچنین با توجه به کویری بودن برخی مناطق و کمبود امکانات در برخی روستاهای دور افتاده کشور، انرژی خورشیدی بهترین گزینه برای تامین برق این مناطق است. (نشریه سازمان انرژی های نو ایران، 1387 : ص 3) ظرفیت پروژه های در حال بهره برداری و در حال اجرای مربوط به انرژی خورشیدی در مجموع $5173/4$ کیلو وات می باشد. در سال 1387 در مجمع 75 هزار کیلو وات ساعت برق خورشیدی توسط پروژه 30 کیلو وات فتوولتائیک، نیروگاه دربید یزد و سرکویر سمنان تولید شده است (ترازنامه انرژی، 1389 : ص $239-240$).

- نفت

ایران با دارا بودن ۱۳۷/۶ میلیون بشکه نفت، دومین دارنده بزرگ نفت در جهان به شمار می رود و $10/3$ درصد از کل ذخایر نفت جهان را در خود جای داده است. میزان ذخایر نفت ایران از ۹۲/۹ میلیون بشکه در سال ۱۹۸۹ به ۱۳۷/۶ میلیون بشکه در سال ۲۰۰۹ رسیده است. میزان ذخایر نفت ایران نزدیک دو برابر آمریکای شمالی ($73/3$ میلیون بشکه)، نزدیک ۵ برابر کشور آمریکا ($28/4$ میلیون بشکه)، بیش از یک برابر ذخایر نفت اروپا و اوراسیا ($136/9$ میلیون بشکه)، بیش از یک برابر ذخایر نفت کل قاره آفریقا ($127/7$ میلیون بشکه) و نزدیک ۴ برابر ذخایر آسیا پاسیفیک ($42/2$ میلیون بشکه) می باشد. ایران همچنین با تولید $20/4$ میلیون تن ($5/3$ درصد کل تولید نفت جهان) بعد از عربستان، روسیه و آمریکا چهارمین تولید کننده بزرگ نفت جهان به حساب می آید. (BP Statistical Review of world Energy, 2010: 6-9).

- گاز طبیعی

گاز طبیعی تمیزترین سوخت فسیلی است، زیرا نه تنها با سوختن آن گاز سمی و خطروناک منو اکسید کردن تولید نمی شود، بلکه ماحصل سوخت آن غالباً آب و مقدار ناچیزی دی اکسید کربن است. لذا می توان از آن به سوخت برتر، ایمن و سالم در محیط های خانگی، تجاری، صنعتی و اداری فضاهای بسته و محدود استفاده کرد. (قدیانی و کرباسی، ۱۳۸۸: ص. ۳). ایران از نظر ذخایر گاز بسیار غنی است و با دارا بودن $29/61$ تریلیون متر مکعب ذخایر قابل استحصال گاز که معادل $15/8$ درصد کل ذخایر اثبات شده گاز جهان می باشد، دومین دارنده بزرگ گاز جهان بعد از روسیه به شمار می رود. حجم ذخایر گاز ایران از $14/1$ تریلیون متر مکعب در سال 1980 به $29/61$ تریلیون متر مکعب در سال 2009 رسیده است، یعنی میزان ذخایر گاز ایران طی این مدت بیش از دو برابر رشد داشته است. ایران بیش از دو برابر کل ذخایر گاز آفریقا ($14/76$ تریلیون متر مکعب)، نزدیک به دو برابر کل ذخایر آسیا پاسیفیک ($16/24$ تریلیون متر مکعب) و نزدیک به دو برابر کل ذخایر قاره آمریکا ($17/22$) همراه (مستقل) قرار دارند (7: country analysis briefs of iran, 2010: 7). مهمترین میادین گازی غیر همراه ایران عبارتند از: پارس جنوبی ($14/2$ تریلیون متر مکعب)، پارس شمالی ($1/4$ تریلیون متر مکعب)، کنگان ($8/2$ تریلیون متر مکعب)، نار ($0/37$ تریلیون متر مکعب) و کنگیران با $0/31$ تریلیون متر مکعب ذخایر گاز. از کل ذخایر گاز ایران $9/24$ تریلیون

متر مکعب ذخایر گاز واقع در خشکی بوده و ۱۸/۹۳ تریلیون متر مکعب نیز مناطق دریایی واقع شده اند (Bahamannia, 2006:12-13).

- منابع آبزی

ایران به دلیل واقع شدن در مجاورت دریاهای خزر، عمان و خلیج فارس از امکانات بالقوه ای برای صید گونه های مختلف آبزیان بروخوردار است. علاوه بر این رودخانه ها و دریاچه های داخلی نیز منابع سرشاری از انواع آبزیان را در اختیار ایران قرار می دهد (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۹۱). کشورهای حاشیه دریای خزر در تجارت خاویار برای درآمدبیشتر نقش دارند. دریای خزر بزرگترین دریاچه دنیا با مساحت ۳۷۴۰۰۰ متر مربع است و ۸۰٪ تا ۹۰٪ تاں ماهیان دنیا در این دریاچه زندگی می کنند (<http://fisheries.ir/portal/Home>ShowPage.aspx>). میزان صید و آبری پروری ایران در سال ۱۳۸۷ برابر با ۵۶۲۵۹۴ تن بوده است که از این مقدار ۳۴۱۹۸ تن در آب های جنوب و ۳۶۹۶۷ تن در آب های شمال صید شده، همچنین از این مقدار ۱۸۳۶۴۷ تن آبزی پروری بوده است (سالنامه آماری سازمان شیلات، ۱۳۸۸: ص ۱۴). در سال ۱۳۸۷ مقدار ۲/۳ تن خاویار، ۱۳۴۶/۲ تن میگو و ۲۳۰۲۷/۳ تن سایر آبزیان و انواع ماهی و در مجموع ۲۴۳۷۶/۳ تن منابع آبزی صادر گردیده است (همان: ص ۴۹).

نتیجه گیری

قدرت عامل حیات و بقا است. قدرت ملی یک کشور عبارتست از مجموع توانایی های آن کشور در تحمل اراده خود بر سایر کشورها برای نیل به منافع خود. الگوهای مختلفی از سوی صاحب نظران و دانشمندان مختلف درباره عوامل و متغیرهای تاثیرگذار بر قدرت ملی ارائه شده است. با دقت در مبانی و سرچشمه های قدرت ملی از دیدگاه صاحب نظران، مشاهده می شود که بخش عمده ای از این عوامل در بین مدل ها مشترک بوده و به عوامل جغرافیایی اختصاص دارد. بطور مشخص بر موارد زیر در ارتباط با جغرافیا تأکید شده است:

(الف) موقعیت جغرافیایی: شامل موقعیت استراتژیکی، موقعیت ژئولوژیکی و همسایگان، موقعیت ارتباطی، موقعیت اقلیمی و ...

(ب) وسعت، شکل کشور، کیفیت فضاء، توپوگرافی، عوارض درونی و پیرامونی کشور (ج) بنیادهای زیستی شامل آب، خاک، پوشش گیاهی و سایر منابع زیستی و غذائی (د) منابع زیرزمینی، شامل منابع انرژی، منابع معدنی اعم از استراتژیک و غیر استراتژیک (ت) جمعیت و ملت، وضع کمی و کیفی، پراکندگی نیروی انسانی و ...

لذا بحث درباره نقش عوامل جغرافیایی در سیاست و تولید قدرت چیزی نیست که محل تردید باشد.

کشور ایران به لحاظ برخورداری از مولفه های جغرافیایی قدرت آفرین و موثر در قدرت ملی، جایگاه ویژه ای دارد و بخش عمده ای از قدرت ملی ایران ناشی از جغرافیاست. در تمام عوامل و فاکتورهای جغرافیایی موثر بر قدرت ملی شامل موقعیت جغرافیایی (موقعیت استراتژیکی، موقعیت ژئopolیتیکی و همسایگان، موقعیت ارتباطی، موقعیت دسترسی، موقعیت اقلیمی و ...)، کیفیت سرزمین (وسعت، شکل کشور، کیفیت فضاء، توپوگرافی، عوارض درونی و پیرامونی کشور)، بنیادهای زیستی (شامل آب، خاک، پوشش گیاهی و سایر منابع زیستی و غذایی) و منابع زیر زمینی (شامل منابع انرژی، منابع معدنی اعم از استراتژیک و غیر استراتژیک)، که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفت، کشور ایران دارای وضعیت بسیار مناسبی است و پتانسیلهای بالائی را در تمام این زمینه ها دارد.

پتانسیل های جغرافیایی قدرت ملی ایران به طور بالقوه شرایط لازم برای قدرت منطقه ای و حتی جهانی شدن ایران فراهم کرده است که با مدیریت مناسب و استفاده از نیروی انسانی با کیفیت میتوان این پتانسیل ها را بالفعل کرد. با توجه به مطالب ذکر شده و پتانسیل های بالقوه جغرافیایی ایران، رسیدن ایران به مقام اول خاورمیانه و جهان اسلام به لحاظ قدرت ملی بلامنازع دور از دسترس نیست، تنها باید باعامل جغرافیایی، جمعیت باکیفیت و مدیریت مناسب، پتانسیل های بالقوه تولیدقدرت، بویژه حوزه جغرافیایی آن را بیش از پیش بالفعل کنیم.

منابع و مأخذ

- ۱- ابوالحمد، عبدالرحمن: ۱۳۷۶؛ مبانی سیاست، تهران، انتشارات توسع، جلد نخست.
- ۲- اعظمی، هادی، ۱۳۸۵: وزن ژئopolیتیکی و نظام قدرت منطقه ای (بررسی موردی: جنوب غرب آسیا)، فصلنامه ژئopolیتیک، سال دوم، شماره سوم و چهارم، پاییز و زمستان.
- ۳- افشار سیستانی، ایرج، ۱۳۸۶: جزیره بوموسی و جزایر تنب بزرگ و کوچک، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، چاپ چهارم.
- ۴- افسرددی، محمد حسن، ۱۳۸۱: ژئopolیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، دانشکده فرماندهی و ستاد.

- ۵- بدری فر، منصور، ۱۳۸۸: **جغرافیای انسانی ایران**، تهران، پیام نور.
- ۶- —————— ۱۳۷۴: **جغرافیای انسانی ایران**، تهران، پیام نور.
- ۷- تهامی، سید مجتبی، ۱۳۸۲: **امنیت ملی، داکترین و سیاستهای دفاعی و امنیتی**، تهران، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران
- ۸- حافظ نیا، محمدرضا، ۱۳۸۶: **قدرت و منافع ملی**، تهران، نشر انتخاب.
- ۹- —————— ۱۳۸۵: **اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک**، مشهد، پاپلی.
- ۱۰- —————— ۱۳۸۱: **جغرافیای سیاسی ایران**، تهران، سمت.
- ۱۱- —————— ۱۳۷۹: **مبانی مطالعات سیاسی_اجتماعی**، قم، سازمان حوزه ها و مدارس علمیه خارج از کشور.
- ۱۲- حافظ نیا، محمدرضا و احمدی پور، زهرا و بدیعی، مرجان، ۱۳۷۸: **تحلیل مبانی جغرافیایی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران (پروژه تحقیقی)**، فصل اول، مبانی نظری، تهران، دانشگاه تربیت مدرس
- ۱۳- روشندل، جلیل، ۱۳۷۴: **امنیت ملی و نظام بین الملل**، تهران، سمت.
- ۱۴- سازمان شیلات ایران، ۱۳۸۸: **سالنامه آماری ۱۳۷۹-۱۳۸۷**، تهران، دفتر برنامه و بودجه، گروه آمار و مطالعات توسعه شیلات.
- ۱۵- سیف زاده، سید حسین، ۱۳۷۸: **اصول روابط بین الملل** تهران. نشر: دادگستر، جلد ۱.
- ۱۶- طاهری موسوی، معصومه، ۱۳۸۷: **جغرافیا و استراتژی ملی ایران**، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- ۱۷- عباس شوازی، علی، ۱۳۸۷: **رابطه جغرافیا و امنیت با تاکید بر نقش و کار ویژه نیروی انتظامی**، فصلنامه دانش انتظامی، سال نهم، شماره چهارم.
- ۱۸- عزتی، عزت الله، ۱۳۸۳: **ژئواستراتژی**، تهران. سمت.
- ۱۹- —————— ۱۳۸۰: **ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم**، تهران، سمت.
- ۲۰- —————— ۱۳۷۷: **ژئوپلیتیک**، تهران. انتشارات سمت.
- ۲۱- —————— ۱۳۷۱: **ژئوپلیتیک**، تهران. سمت.
- ۲۲- قوام، عبدالعلی، ۱۳۸۳: **اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل**، تهران، سمت.
- ۲۳- —————— ۱۳۷۰: **اصول سیاست خارجی و روابط بین الملل**، تهران، سمت.

- ۲۴- کاتم، ریچارد، ۱۳۷۸: ناسیونالیسم در ایران، ترجمه احمد تدین، تهران، انتشارات کویر.
- ۲۵- کاظمی، علی اصغر، ۱۳۶۹: نقش قدرت در جامعه و روابط بین الملل، تهران، نشر قومس.
- ۲۶- کاظمی، علی اصغر، ۱۳۷۳: روابط بین الملل در تئوری و عمل، تهران، نشر قومس.
- ۲۷- کالینز، جی. آم، ۱۳۷۰: استراتژی بزرگ (اصول و رویه ها)، ترجمه کورش بایندر، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.
- ۲۸- کامران، حسن و ذکی، قربانی و جعفری، فرهاد، ۱۳۸۴: اثرات ساختار توپوگرافیک بر جغرافیای سیاسی ایران، فصلنامه جغرافیا، دوره جدید، سال سوم، شماره ۶ و ۷ پاییز و زمستان.
- ۲۹- کرباسی، عبدالرضا و قدیانی، نعیمه، ۱۳۸۸: گاز طبیعی و خودرو، نشریه صنعت خودرو، شماره ۱۳۵.
- ۳۰- کریمی پور، یدالله، ۱۳۷۹: مقدمه ای بر ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)، کرج، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد دانشگاه تربیت معلم تهران.
- ۳۱- مجتبه‌زاده، پیروز، ۱۳۸۵: کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس، ترجمه حمید رضا ملک محمدی نوری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- ۳۲- مختاری هشی، حسین و نصرتی، حمیدرضا، ۱۳۸۹: امنیت انرژی و موقعیت ژئوپولیتیک ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره دوم.
- ۳۳- مظفری، هانیه و رئیس السادات، سید حمید رضا، ۱۳۸۸: تاثیر عوامل فیزیکی (باد و دما) بر ژئوپلیتیک منطقه خلیج فارس، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی، شماره سوم.
- ۳۴- ملکوتیان، مصطفی، ۱۳۸۳: مقدمه ای بر جغرافیای سیاسی و اهمیت استراتژیک ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۳.
- ۳۵- مورگنتا، هانس، ۱۳۸۴: سیاست میان ملتها، ترجمه حمیرا مشیر زاده، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- ۳۶- میر حیدر، دره، ۱۳۸۱: مبانی جغرافیای سیاسی، تهران، سمت.
- ۳۷- ۱۳۷۵-----: مبانی جغرافیای سیاسی، تهران، سمت.
- ۳۸- ۱۳۵۷-----: اصول و مبانی جغرافیای سیاسی، تهران، امیر کبیر.

- ۳۹- میر حیدر، دره، ۱۳۶۷: جغرافیای سیاسی طرح های تفکیک تردد در خلیج فارس و تنگه هرمز، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۴
- ۴۰- مینایی، مهدی، ۱۳۸۱: مقدمه ای بر جغرافیای سیاسی ایران، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.
- ۴۱- نبیوی، سید عباس، ۱۳۷۹: فلسفه قدرت، تهران، انتشارات سمت.
- ۴۲- نشریه سازمان انرژی های نو ایران (سانا)، ۱۳۸۶، سال اول، شماره ۱، مرداد ۸۶
- ۴۳- نشریه سازمان انرژی های نو ایران (سانا)، ۱۳۸۷، سال دوم، شماره پنجم، تیر ۱۳۸۷
- ۴۴- والترز، رابت، ۱۳۶۳: دام سلاح هسته ای، ترجمه محمد رضا فتاحی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل.
- ۴۵- سلاح هسته ای و راهی برای گریز از آن، ترجمه محمد رضا فتاحی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.
- ۴۶- وزارت نیرو، ۱۳۸۹: ترازname انرژی سال ۱۳۸۷: معاونت امور برق و انرژی، دفتر برنامه ریزی کلان برق و انرژی.

Banks, Ferdinand, 2007: *a long introduction to economic theory and natural gas.*

Bahamannia, GH, 2006: *Developing Gas Markets in Persian Gulf case study: Iran.* 23 rd Gas conference. Amsterdam.

BP Statistical Review of world Energy, 2010: BP, London

Country Analysis Briefs, IRAN, 2010, www.eia.doe.gov

Chaudhary, shamila N, 2000: *Iran to India natural gas pipeline:* implications for conflict resolution & regionalism in India, iran and Pakistan.2000.

Eberstadt, Nicholas, 1991: *population change and National security.* Foreign Affairs, Vol.70, No.3.

Glassner, Martin Ira, 1993: **Political Geography**. United States of America: New York: Johan wiley& Sons, Inc.

Goldstein, Joshua s, 1999: **International Relations**. New York: Longman.

Taylor, Peter, 1993: **Political Geography**. England: Longman Scientific & Technical.

<http://newsblog.Ir/?=3679>

http://www.iraneconomist.Ir_1385/9/18

<http://forun.patoghu.com/thread13894.Html>

<http://www.ngdir.com/minemineral/PMineMineral.as>

<http://fisheries.ir/portal/Home>ShowPage.aspx>

http://irannec.com/files/site1/pages/articles_2/Mabahese_Rahbodi_Energy/4.pdf